

مقدمه‌ای بر عروض و قافیه

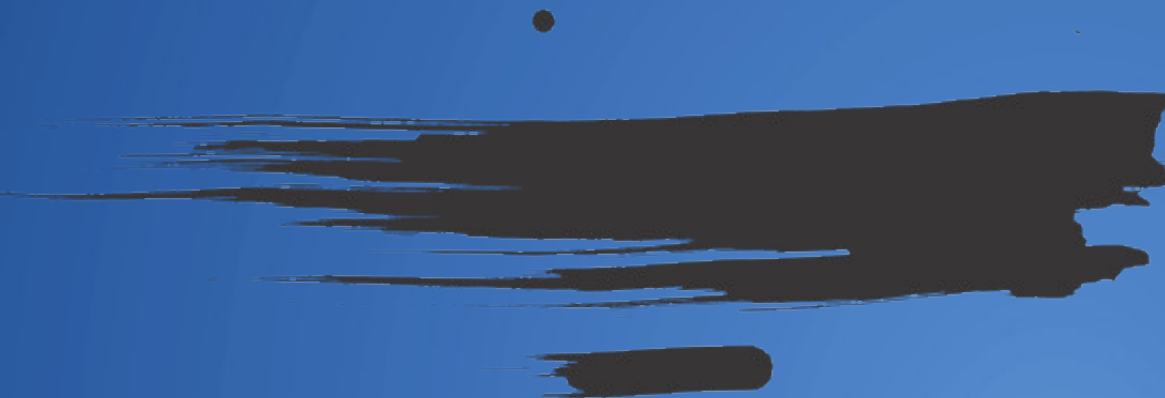
(بر اساس کتاب آرایه‌های ادبی سال سوم انسانی)

هادی صفری

طلای دوره بیست و هفتم المپیاد ادبی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دست‌ها می‌سایم
تا دری بگشایم
بر عبث می‌پایم
که به در کس آید
در و دیوار به هم ریخته‌شان
بر سرم می‌شکند

شعر چیست؟

- شعر گره‌خوردگی عاطفه و تخیل است که در زبانی آهنگین شکل گرفته است.
- عاطفه: حالات و تأثراتی که حادثه‌ها در ذهن شاعر ایجاد می‌کنند و شاعر سعی می‌کند با شعر، آن را به دیگران هم منتقل کند.
- اصلی‌ترین عامل پیدایش شعر، عاطفه است.

شعر چیست؟

- شعر گره‌خوردگی عاطفه و تخیل است که در زبانی آهنگین شکل گرفته است.
- تخیل: تصرف شاعر در طبیعت که به آفرینش صور خیال می‌انجامد.
- زبان: مجموعه واژگان، ترکیب‌ها و جملاتی که شاعر به کار می‌گیرد.
- وزن: آهنگ خاصی که از کنار هم قرار گرفتن کلمات ایجاد می‌شود.

موسیقی شعر

- موسیقی شعر بسیار گسترده‌تر از وزن است؛ اما در اینجا فقط به وزن می‌پردازیم.
- وزن انواع مختلفی دارد؛ اما فقط وزن عروضی مورد نظر ما است. وزن شعر فارسی از نوع وزن عروضی است.
- ساخت (تجزیه) دوم زبان بشری، به سطح آوایی و هجا و واج می‌پردازد.
- هجا: مقدار آوایی که دهان با یک بار باز شدن آن را ادا می‌کند.
- واج: کوچک‌ترین واحد آوایی زبان که تفاوت معنایی ایجاد می‌کند.

واج

- زبان فارسی ۲۹ واج دارد.
- واج بر دو نوع است: صامت (مصوت) و مصوت (واکه).
- مصوت بر دو نوع است: کوتاه و بلند.
- زبان فارسی ۶ مصوت (۳ کوتاه و ۳ بلند) و ۲۳ صامت دارد.
- ممکن است یک حرف نمایانگر چند واج متفاوت باشد؛ مثل ی برای مصوت /یـ/ و صامت /ی/
- ممکن است چندین حرف متفاوت الفبا برای نمایش یک واج یکسان به کار روند؛ مثل {ث، س، ص}.
- صامت را با c، مصوت کوتاه را با v و مصوت بلند را با \bar{v} هم نشان می‌دهند.

واج

- مصوت‌های کوتاه زبان فارسی عبارتند از **اَ، اِ، اُ**.
 - مصوت‌های بلند زبان فارسی عبارتند از **آ، او، یی**.
 - صامت‌های زبان فارسی عبارتند از: **{ع،ء}، {ب}، {پ}، {ت،ط}، {ث،س،ص}، {ج}، {چ}، {ح،ه}، {خ}، {د}، {ذ،ز،ض،ظ}، {ر}، {ژ}، {ش}، {غ،ق}، {ف}، {ک}، {گ}، {ل}، {م}، {ن}، {و}، {ی}**
 - به واج‌های دو واژه زیر و کلمات مشابه آن‌ها دقت کنید: (مصوت مرکب)
 - نو (جدید): / ن ؤ /
 - می (شراب): / م ی /
- توجه کنید این واژه‌ها با تو (ضمیر)، دو (عدد)، تو (داخل)، رو (جلو) و دی (دیروز)، چی (کلمه پرسشی) و... تفاوت دارند.

هجا

- هر هجا از تعدادی واج تشکیل می‌شود.
- در زبان فارسی ۶ الگوی هجایی وجود دارد:
 - (۱) ص.م.ک.مثل / رء /
 - (۲) ص.م.ب.مثل / با /
 - (۳) ص.م.ک.ص.مثل / بءل /
 - (۴) ص.م.ب.ص.مثل / بار /
 - (۵) ص.م.ک.ص.ص.مثل / رءفت /
 - (۶) ص.م.ب.ص.ص.مثل / راست /

• نوع ۱ را هجای کوتاه، انواع ۲ و ۳ را هجای بلند و انواع ۴ و ۵ و ۶ را هجای کشیده می‌نامند.

هجا

- زبان فارسی ۳ میان مصوت کوتاه و بلند تفاوتی قائل نیست، پس فقط ۳ نوع الگوی هجایی برای زبان فارسی معرفی می کند.
- هجای کوتاه را با U نشان می دهند.
- هجای بلند را با — نشان می دهند.
- هر هجای کشیده، معادل یک هجای بلند و یک هجای کوتاه است، پس آن را با —U نشان می دهند.

هجا

- هر هجا الزاماً با صامت شروع می‌شود.
- هر هجا دقیقاً یک مصوت دارد؛ پس تعداد هجاها با تعداد مصوت‌ها برابر است.
- هر هجا حد اقل یک و حد اکثر سه صامت دارد.
- وزن شعر فارسی، مبتنی بر طول هجاها است. مباحث پیشرفته عروض ، بحرها و اختیارات شاعری را در ادبیات تخصصی پیش‌دانشگاهی خواهید آموخت.

هجا

- در تقطیع اشعار (جداسازی هجاها و بررسی نوع آنها برای شناسایی وزن) ملاک خواندن است نه نوشتن.
- در تقطیع اشعار، نون ساکن بعد از مصوت بلند را در نظر نمی‌گیریم.
- چند مثال:
 - کین خواهی: کی+خا+هی (سه هجای بلند) (— — —)
 - راستی: راس+تی (یک هجای کشیده و یک هجای بلند) (— U —)
 - خواهر: خا+هَر (دو هجای بلند) (— —)
 - خورشید: خُر+شید (یک هجای بلند و یک هجای کشیده) (U — —)

هجا

- نگاهی به وزن یک بیت شعر: بنشینم و صبر پیشه گیرم / دنباله کار خویش گیرم

بِن - شِی - نَ - مُ - صَبِر - پِی - شِ - گِی - رَم

— — U — U — UU — —

دُن - با - لِ - یِ - کا - رِ - خِش - گِی - رَم

— — U — U — UU — —

بیت و مصراع

- بیت: واحد شعر کلاسیک فارسی
 - مصراع: هر بیت شعر کلاسیک فارسی، دو مصراع دارد.
 - واحد وزن شعر فارسی، مصراع است.
 - اگر شاعر منظورش را فقط در یک بیت بیان کند، آن را بیت فرد می‌نامند.
- در برابر چو گوسفند سلیم / در قفا همچو گرگ مردم خوار

قافیه

- حرف آخر قسمت اصلی هر کلمه را حرف **روی** می‌نامند.

- **قافیه**، همسانی هجا یا هجاهای آخر (اولین مصوت قابل تغییر است.) کلمات پایانی دو مصراع است.

- اگر دو مصراع بیتی هم‌قافیه باشند، آن را **مصرّع** می‌نامند.

- **ردیف**، کلماتی اند که عیناً در پایان دو مصراع می‌آیند.

- اگر بیتی ردیف داشته باشد، آن را **مردّف** می‌خوانند.

- اگر بیتی مردف باشد، کلمات قافیه قبل از ردیف می‌آیند.

قافیه

- سجع در شعر را **قافیه میانی** می‌نامند.
- اگر کلمات پایانی دو مصراع با هم جناس تام بسازند، قافیه هستند نه ردیف.
- شعری را که در دو زبان (یا بیشتر!) سروده شده باشد، **ملّع** می‌نامند.
- در شعر کلاسیک قافیه اجباری و ردیف اختیاری است.
- در شعر نو، قافیه و ردیف نظم خاصی ندارند.

قافیه

• قافیه:

- باعث تأثیر بخشی و زیبایی شعر می شود.
- آهنگ برخاسته از وزن را تکمیل می کند.
- پایان یک قسمت (مانند بیت یا مصراع) و شروع قسمت بعد را نشان می دهد.
- به تنظیم فکر و احساس شاعر کمک می کند.
- به شعر استحکام می بخشد.
- با تداعی معانی، باعث آفرینش مفاهیم نو می شود.

قافیه

قافیه با رنگ **قرمز** مشخص شده است.

• بیت مصرع:

هر سحر صد ناله و زاری کنم پیش **صبا**

تا زمن پیغامی آرد بر سر کوی **شما**

• قافیه به شکل جناس تام:

خرامان بشد سوی آب **روان**

چنان چون شده بازیابد **روان**

قافیه

قافیه با رنگ **قرمز** و ردیف با رنگ **آبی** مشخص شده است.

• بیت مردف:

سال‌ها دل طلب جام جم از **ما** می‌کرد

آن چه خود داشت ز بیگانه **تمنا** می‌کرد

ای سنایی! عاشقی را درد باید؛ **درد** کو؟

بار حکم نیکوان را مرد باید؛ **مرد** کو؟

قافیه

• بیت ملمع:

گفتا: «بگیر زلفم.» گفتم «ملامت آید.»

قالَتْ: «أَلَسْتُ تَدْرِي العِشْقَ وَ المِلامه؟»

• قافیۀ درونی: (قافیه درون با رنگ **قرمز** مشخص شده است.)

تا کی کنی **کِبْرآوری**، چون عاقبت را **بنگری**

ترسم پشیمانی **خوری**، ای یار بدپیوند از این

بر آای آفتاب صبح امید

که در دست شب بجران اسیرم